

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران

دکتر ابوالفضل نبئی

بررسی فرهنگ ایرانی در تاریخ کهن سال و پرفراز و نشیب آن نشان می‌دهد با وجود جنگ‌ها و شکست‌ها و پیروزی‌ها و غلبه اقوام متعدد با فرهنگ‌های مختلف، فرهنگ قوی و با اصالت ایرانی نه تنها در فرهنگ‌های اقوام چه از غرب و چه از شرق مستحیل نگشته، بلکه آن فرهنگ‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

زمانی که اجداد ما ایرانیان در دوره‌های آغازین تاریخ با اقوامی چون کلد و بابل و آشور در ارتباط سیاسی و فرهنگی بودند بالطبع تبادل فرهنگی و تمدنی داشتند اما در این تبادل برتری از آن اقوام آریایی بود؛ زیرا بزرگ‌ترین پشتوانه فرهنگ‌ها را اعتقادات شامل می‌شود. دین زرتشتی از جمله قدیمی‌ترین ادیان است که تعلق به ایرانیان دارد و می‌توانیم آن را از ادیان الهی و آسمانی بدانیم و کتاب معتبر آن «اوستا» مملو از دستورهای قوی اخلاقی و ایمانی است. در این دین، جهان متکی بر دو موجود است: اهورا و اهریمن. اهورا انسان را به پاکی‌ها و نیکی‌ها و اهریمن به ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها فرا می‌خواند. این دو عامل دائماً در نبردند.

چه عواملی سبب تقویت اهورا مزدا و چه عواملی سبب ضعف اهریمن می‌شوند

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران / ۱۱۵

و تلاش انسان برای پیروزیِ اهورامزدا بر اهریمن از وظایف و تکالیف دینی است. ایرانی این افتخار را دارد که از اول مؤمن و معتقد به خدای بزرگ بوده و - برخلاف سایر ملل همسایه - بت و بت پرستی در عقایدش راه نیافته است.

دین و دینداری با وجود این که از جمله فرهنگ‌های فطری است ولی خرد، منشأ فرهنگ‌های ثانوی است. بنابراین باید گفت فرهنگ‌های منشعب از دین در نزد ایرانیان نیز از اصالت خاصی برخوردارند. به چند نمونه از آن اشاره می‌شود که در فرهنگ ملی و مذهبی ما تعامل آن‌ها بسیار مشهود است که از ویژگی‌های فرهنگ مردم دیروزی و امروزی ایرانی است.

یکی از این موضوعات، زمان سنجی و موضوع نوروز باستانی و بهره‌برداری از آن جهت تشخیص ایام خاص برای نیایش و انتقال آن از آیینی ملی - مذهبی زرتشتی به آیینی شیعی - اسلامی و یافتن رنگ اسلامی و صورت ملی و مذهبی است. دیگری ایدئولوژی و جهان بینی و آیینی ایران باستان منشعب از دین زرتشتی و ادامه آن در آیین شیعی موضوع «سوشیانس» و ظهور مهدی موعود (عج) است.

قبل از این که به توضیح این دو موضوع ملی و دینی بپردازم لازم می‌دانم به اجمال بگویم که: ایرانیان طرفدار تشیع شدند. و گرایش ایرانیان به مذهب تشیع و دوستداری و علاقمندی خاندان عصمت و طهارت از کجا ناشی شده است؟

اگر چه در مورد گرایش ایرانیان به مذهب شریف تشیع دلایل مختلف ذکر می‌شود.^۱ اما برداشت حقیر این است که در اواخر حکومت ساسانیان زمانی که موبدان زرتشتی مانند رجال سیاسی آن عصر دچار انحراف شدند و از اداره امور دینی جامعه عاجز ماندند و بی‌عدالتی و عدم تساوی و تبعیض جامعه را فراگرفت و مردم

۱. ر.ک: علامه محمد حسین طباطبائی، ظهور شیعه، به ضمیمه مصاحبه هانری گربن و علامه طباطبائی، شیعه در اسلام.

در سرگردانی به سر می بردند و به دنبال دینی می گشتند که با محتوا و اخلاق قوی بتواند هدایت جامعه را به عهده گیرد و سعادت را برای افراد فراهم سازد تا این که ندای انسان ساز اسلام به گوش آن ها رسید. این دین با محتوای قوی اخلاقی و عدم تبعیض و تساوی حقوق انسان ها و فضیلت انسان ها بر اساس تقوا و پرهیزکاری و آزادی و وارستگی... ایرانیان شیفته عدالت را مجذوب خود ساخت. مردم به این دین والا علاقه نشان دادند و با طیب خاطر به آن گرویدند. اما چند صباحی نگذشت که کارها به دست بنی امیه افتاد و فاتحان اموی بر امور ایرانی ها مسلط شدند و تبعیض نژادی را دوباره اعمال کردند و میان مسلمانان عرب و غیر عرب، فرق قائل شدند و ایرانیان را موالی خطاب کرده نوکران خود نامیدند و حقوق اجتماعی را از آنان گرفتند. بدین ترتیب، وضع ایرانیان به مراتب، بدتر از دوره ساسانی گشت، هر کجا شکایت بردند با شقاوت مواجه شدند تا این که به فاتحان اولیه و مسلمانان واقعی روی آوردند و به آنان گفتند: کجاست آن عدالت و شفقت اسلامی که شاهان ما را بدان دعوت کردید. در جواب گفته شد:

اسلام از دست افراد سالم و پرهیزکار بیرون رفته است، اشخاص ناباب و به ظاهر مسلمان بر امت اسلامی حاکم گشته اند و... مردم، سراغ مردان صالح و سالم و پرهیزکار را گرفتند. گفته شد: علی و اولاد او پرهیزکارترین و صالح ترین فرد برای اداره امور مسلمان ها بودند که متأسفانه کنار گذاشته شدند. مردم دیندار و عدالت خواه گفتند ما قیام می کنیم و از علویان حمایت می کنیم و آنان را برای داشتن حکومت صالح به قدرت می نشانیم. از این تاریخ و بدین طریق ایرانیان دوستدار علویان شدند و در راه آنان نهضت های پرشوری برپا ساختند.

به همت ایرانیان دوستدار علویان و مذهب تشیع چندین دولت قبل از دولت شیعی مذهبی صفوی به وجود آمد: علویان مازندران (آل بویه) سربداران و در دولت

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران / ۱۱۷

ایلخانان مغول نیز «اولجایتو» به طرفدارای این مذهب برخاست. تا این که در آغاز قرن دهم هجری (۹۰۵) شاه اسماعیل صفوی با رسمیت دادن به مذهب شیعی و شمشیر زنی در راه آن، دولت صفوی را بنیاد نهاد و برای تقویت آن توسط خود او و جانشینانش به توسعه فرهنگ شیعی همت گماشته شد و در نتیجه فرهنگی در عهد صفوی بر جامعه ایرانی حاکم گشت که اختصاص به مذهب شیعی داشت. این فرهنگ اغلب با فرهنگ ملی و باستانی ایران مشابهت هایی دارد که در طول تاریخ، شیعیان برای مشخص کردن و جداسازی خود از فرهنگ عرب و نزدیکی به فرهنگ ایرانی اتخاذ کرده است. از آن جمله حمایت از گویش به زبان فارسی، اتخاذ گاه - شماری به شیوه ایرانی، اعمال آداب و رسوم ایرانی از جمله حمایت از نوروز باستانی و ... تا این که به مرور فرهنگ ملی به صورت فرهنگ شیعی خودنمایی کرده و تعامل این دو فرهنگ، راه گشای سیر سیاسی و تأمین استقلال کشور ایران شده است و اگر تعامل این دو فرهنگ نبود از استقلال ایران نیز خبری نبود.

اکنون برمی گردیم به اصل صحبت خود و ذکر دو نمونه از موضوعات فرهنگ ملی و شیعی یعنی زمان سنجی در نزد ایرانیان دیروزی و امروزی.

چنان که می دانیم نوروز باستانی و آغاز سال از اعیاد ملی و مذهبی ما ریشه در اعیاد دین زرتشت، و آیین ایران باستانی دارد. آن هایی که با گاه شماری و علم تقویم نگاری آشنایی دارند از اهمیت نوروز نیز باخبرند. تقویم هایی که در ازمنه تاریخی بر اساس نوروز ایرانی بنیان یافته ارزش علمی و معنوی خاصی دارند. که مَلَهَم از فرهنگ اصیل و پر محتوای مردم ایران است و می دانیم که تقویم امروزی، (هجری شمسی) نیز بر پایه ارزش و اعتبار اسلامی و ایرانی خود استوار است؛ زیرا مبدأ آن (هجرت) یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام، یعنی هجرت پیامبر بزرگوار اسلام از مکه به مدینه و تشکیل دولت اسلامی و آغاز تحول سیاسی در دین مبین اسلام است و آغاز سال در

آن (نوروز) همان نوروز مرسوم در تقویم مزدیسنايي و ایران باستان و چه اسامي ماه‌ها از فروردین و اردیبهشت گرفته تا اسفند از هر یک در آیین ایران باستان دارای مفاهیم و معانی مذهبی است و از اصالت آن‌ها همین بس که در طول تاریخی بیش از سه هزار ساله خود چه قبل از اسلام و چه در دوره اسلامی بر حیات پر ارزش فرهنگی خود ادامه می‌دهد. در اهمیت فرهنگی و تاریخی نوروز و پیدایش و قدمت آن در شاهنامه فردوسی می‌خوانیم:

به جمشید بر، گوهر افشاندند	مر آن روز را روزِ نو خواندند
سرِ سالِ نو، هرمزِ فرودین	برآسوده از رنج تن، دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند	می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار ^۱

از زمانی که دین زرتشتی در ایران رونق یافت نوروز جنبه دینی به خود گرفت؛ زیرا توجه به فرائض دینی، لزوم دقت در اوقات را سبب گردید، نوروز یعنی روزی که پایان اعمال مذهبی سال گذشته و آغاز فرائض سال نو را مشخص می‌کرد، مورد توجه قرار گرفت و آن «هرمزد روز» از فروردین ماه بود که گفتار فردوسی در اشعار فوق، اهمیت آن را نشان می‌دهد و نوروز، عنوان اولین روز سال دینی زرتشتیان را پیدا کرد.

در جامعه مذهبی زرتشتی ایران قبل از اسلام، هم‌میهنان ما در این روز به نیایش می‌پرداختند امروز ما در «اوستا» و «یشت‌ها» نیایش‌های مربوط به ایام نوروزی را می‌خوانیم.^۲

۱. ر. ک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، ج ۱، صص ۲۴، ۲۵.

۲. ر. ک: ابراهیم پورداود، یشتها، کتاب ۹، فصل ۱۲۰؛ آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، صص ۱۸۶، ۱۸۷.

با ورود اسلام به سرزمین ایران، انتظار می‌رفت نوروز دیگر به دست فراموشی سپرده شود اما برعکس چنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد نوروز نه تنها در دوره اسلامی حیاتی تازه یافت بلکه با ارزش‌های اسلامی وفق داده شد و مورد توجه و حمایت مسلمانان نیز قرار گرفت. امروزه هم نوروز تنها عیدی است که زرتشتیان و مسلمانان ایرانی تقریباً یکنواخت به استقبال آن می‌روند. آنان با نیایش‌های اوستایی و اینان با ادعیه اسلامی و تلاوت آیاتی از قرآن، حلول سال نو را گرامی می‌دارند. این‌که رمز بقای نوروز و گرامیداشت آن در چیست مقوله‌ای است دیگر، اما به طور اجمال باید گفت موقعیت نجومی آن‌که اعتدال طبیعی است چه در اعتدال خریفی (که گویا در آغاز امر، موقع آن به عللی در اعتدال خریفی بوده است) و چه در اعتدال ربیعی که امروزه در آن قرار دارد برای زمان سنجی بهترین مبدأ می‌تواند باشد. با توجه به این‌که تنظیم تقویم از اول در هر نقطه‌ای از جوامع بشری اکثراً با مسائل مذهبی در ارتباط بوده است و برای تنظیم برنامه‌های مذهبی اقدام به ایجاد تقویم مذهبی می‌نمودند و اکنون نیز اکثر تقویم‌های عالم ریشه مذهبی دارند.^۱

تقویم ایران قبل از اسلام بر مبنای نوروز یک تقویم دینی بود، اما تقویم کشاورزی نیز محسوب می‌شد؛ زیرا آغاز آن‌که با اعتدال ربیعی همراه بود موبدان زرتشتی با اعمال روشی که امروزه به آن «کبسه» می‌گویم ضمن این‌که اوقات دینی را کنترل می‌کردند محل نجومی آن را نیز ثابت نگه می‌داشتند. در نتیجه، فصول سال نیز مشخص می‌شد، همچنین موسم کشت و برداشت محصول و پرداخت مالیات در

۱. تقویم اوستایی (مزدیسنا) مشهور در ایران باستان یک تقویم دینی بود، تقویم میلادی امروزی که یک تقویم جهانی و بین‌المللی می‌باشد یک تقویم دینی است تا سیاسی و از میلاد حضرت مسیح علیه السلام و از یک واقعه دینی حکایت می‌کند، همین‌طور تقویم هجری قمری و یا هجری شمسی جهان اسلام مبدأ و مأخذ دینی دارد و حکایت از یک واقعه دینی در اسلام می‌کند و یا سایر تقویم‌های ملل مختلف. ر.ک: ابوالفضل نبئی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ.

این تقویم روشن بود. اما با ظهور دین مبین اسلام و ورود آن به ایران و سقوط ساسانیان و رایج شدن تقویم هجری قمری، تقویم مزدیسنا از میان برداشته شد. اما از آنجایی که تقویم هجری قمری یک زمان سنجی مختص مذهبی بود با امور مالی و کشاورزی سروکار نداشت در نتیجه، دولت اسلامی به مزور زمان به تقویم مالی هم نیاز پیدا کرد در نتیجه اهمیت تقویم ایران باستان را در این مورد دریافت و به کارگیری نوروز ناچار گشت، اما عدم رعایت دقیق در محاسبات نجومی مانع از آن شد که نوروز از محل نجومی خود دور افتد و یک چند در این تقویم نابسامانی‌هایی رخ دهد. در دوره‌های بعد با تلاش دانشمندان ایرانی این مشکلات حل شد. از آن جمله ابداع تقویم جلالی به همت حکیم عمر خیام نیشابوری.^۱

جنبه تشریفاتی نوروز، که پادشاهان ایرانی در آن روز بر تخت می‌نشستند و بارعام می‌دادند و هدایایی رد و بدل می‌شد، سبب شد که توجه خلفای بنی امیه و بنی عباس را به خود جلب کند و خلفا خواستند در چنین روزی روش سلاطین ایرانی را پیش گیرند و از آنان در نمایاندن جاه و مقام خویش تقلید کنند و خلافت با سلطنت درآمیزند نتیجتاً زمینه برای احیای تشریفات نوروزی فراهم گشت.

احیای نوروز در این دوره‌ها بیش‌تر جنبه سیاسی داشت تا جنبه زمان‌سنجی. این مسئله از لحاظ تاریخ سیاسی قابل بررسی است. احیای نوروز هم از لحاظ قیام‌کنندگان ایرانی برضد خلفا جهت‌گرایش به سنن ایرانی و جهت فراهم کردن استقلال ایرانی و هم از نظر خلفای بنی امیه و بنی عباس از لحاظ شهرت و اعتبار درخور اهمیت بود. آن‌هایی که در گوشه و کنار ایران قیام می‌کردند برای این‌که نهضت خویش را ملی جلوه دهند، خود را مدافع و مروج آداب و سنن متروک باستانی و احیاکننده فرهنگ ملی ایران معرفی کردند و عید نوروز و جشن مربوط به

۱. برای آگاهی از این مسائل ر. ک: تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ.

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران / ۱۲۱

آن را در قلمرو و حاکمیت خویش برپا داشتند، از حمله مرداوید از سلاطین آل زیار و بعدها آل بویه و سلاجقه و صفویه و سایرین همین راه را رفتند. بالأخره نوروز به خاطر جنبهٔ زمان‌سنجی و تشریفاتی در دورهٔ اسلامی طرفدارانی یافت؛ به خصوص در دولت‌های شیعی مذهب همچون صفویه. کشور مسلمان و شیعه مذهب ایران بنا به علاقهٔ متین و استوار به دین مبین اسلام، نوروز خویش را نیز رنگ اسلامی داد و عقاید باستانی در خصوص نوروز را با احادیث و اخبار اسلامی درآمیخت و آن را مطابق با روز خلقت عالم و آدم، نشستن کشتی حضرت نوح علیه السلام بر خشکی و بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت حضرت علی علیه السلام (روز غدیر) و حتی روزی که حضرت قائم آل محمد و مهدی موعود (عج) ظهور خواهد کرد یکی دانستند.

اخبار مربوط به نوروز و فضایل آن را در کتاب‌های علامه محمد باقر مجلسی یعنی *بحار الأنوار* و *زاد المعاد* می‌خوانیم.^۱

مجلسی بزرگ‌ترین متفکر و صاحب نظر جهان تشیع در قرن یازدهم هجری قمری در *زاد المعاد* فضیلت نوروز و اعمال مربوط به آن را بیان می‌دارد که در زمان‌های قبل و بعد از او نیز از طرف علمای شیعی عصر مورد تأیید بوده است، چون محمد بن علی بن شهر آشوب (متوفای به سال ۵۸۸) در اثر خود به نام *مناقب آل ابی طالب* بعضی از همین سخنان را به روایت از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۲ علامه مجلسی بعد از نقل قول از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در فضیلت نوروز به اعمال این روز اشاره می‌کند با این عبارت که حضرت به معلی فرمود:

«چون نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوها خود را خوشبو گردان و در آن روز، روزه بدار پس چون

۱. ر. ک: محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵۹، باب ۲۲؛ *زاد المعاد*، صص ۵۲۸-۵۳۰.

۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، جزء ثالث، ج ۴، صص ۳۱۸، ۱۳۹.

از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن‌ها فارغ شدی چهار رکعت نماز بگزار و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان...»^۱.
مجلسی غیر از فضایل و اعمالی که برای نوروز و تحویل سال نقل می‌کند برای ایام هفته که هر سال، نوروز در یکی از آن‌ها واقع می‌شود سعد و نحس وارد دانسته و حکمی آورده است که در فرهنگ ما درخور توجه است.^۲

با تعبیر تشیع از نوروز این عید در فرهنگ امروزی اجتماع ما غیر از عید ملی و جشن آغاز تحویل سال، از اعیاد و یا مجموعه‌ای از اعیاد مقدس اسلامی و مذهبی به‌شمار است. از زمانی که نفوذ تشیع در ایران رو به فزونی نهاد و به خصوص از زمان صفویه که دولت شیعی به حاکمیت نشست و از آن تاریخ، مذهب تشیع مذهب رسمی ایران شناخته شد، نویسندگان و گویندگان در اعصار مختلف در نشر و نظم خویش این روز را با روز غدیر و همچنین آغاز خلافت حضرت علی علیه السلام یکی گرفتند. دانشمند بزرگ، مرحوم ذبیح الله صفامی نویسد:

«توافق نوروز با زمان جلوس حضرت علی علیه السلام به ولایت و خلافت که غدیر خم با همچون زمانی مصادف بوده است (غدیر خم در سال ۱۰ هجری مطابق با ۲۹ حوت و روز چهارم از خمرسه مسترقه و بالأخره نزدیک به فروردین ماه و اول نوروز بوده است) و نیز برخی جلوس علی علیه السلام به خلافت را که ۱۸ ذیحجه سال ۳۵ هجری قمری اتفاق افتاده است با نوروز جمشیدی مصادف می‌دانند».^۳

از گویندگان دوره‌های مختلف، شاعرانی چون قآانی شیرازی و سید احمد هاتف

۱. مجلسی، زادالمعاد، ص ۵۳۰.

۲. ر.ک: مولانا المحقق المجلسی، کتاب مستطاب ملهمه، به همت سید احمد کتابچی، صص ۳۹، ۴۰.

۳. ر.ک: ذبیح الله صفا، «جشن نوروز» مجله مهر، سال ۲، شماره ۲، ص ۱۶۸.

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران / ۱۲۳

اصفهانی اشعار نغزی دارند که ابیاتی از آن را در این مورد می آوریم، قآنی شیرازی در منقبت مظهر العجایب اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام گوید:

رساند به او صبا مژده بهار امروز

زتوبه، توبه نمودم هزار بار امروز

بدیع نیست دلا گر جهانیان هستند

بدیع آن که نشست بست هوشیار امروز

به کام اهل سعادت دمید گل از شاخ

به چشم اهل شقاوت خلید خار امروز

رسد به گوش دل این مژده ام ز هاتف غیب

که گشت شیر خداوند شهریار امروز

به جای خاتم پیغمبران به استحقاق

گرفت خواجه کز و بیان قرار امروز

به رغم دشمن ابلیس خر پدید آمد

ز آستین خفا دست کردگار امروز

نشست صاحب مسند فراز مسند حق

شگفت فخر و بیژمرد عیب و عار امروز

به گرد نقطه ایمان کشید بار دگر

مهندس ازلی آهنین حصار امروز

رسید با خطر موج کشتی اسلام

به بادبانی لطف تو برکنار امروز

به ممکنات ز آغاز دهر تا انجام

جلال بار خدا گردد آشکار امروز^۱

و یاسید احمد هاتف در شعر غزایی در نسبت نوروز به خلافت علی علیه السلام چنین گوید:

نسیم صبح عنبر نیبر شد بر توده غبرا

زمین سبز نسرين خیز شد چون گنبد خضرا

زفیض ابر آزاری، زمین مرده شد زنده

زلطف باد نوروزی، جهان پیر شد بُرنا

به پاسخ نارون گفتنش کز اطفال چمن بگذر

که امروز امهات از شوق در رقصند با آبا

همایون روز نوروز است امروز و به فیروزی

بر او رنگ خلافت کرده شاه لافتی مأوا^۲

چون نوروز جنبه مذهبی پیدا کرد و جزء اعیاد و ایام خاص مذهبی درآمد، ادعیه

خاصی نیز برای چنین روزهای مذهبی ضرورت نمود:

«یا مقلب القلوب والابصار، یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول والاحوال، حول حالنا

الی احسن الحال».^۳

بدین وسیله چنان که ملاحظه می‌کنیم نوروز که یک سمبل ملی فرهنگی ایران قبل

از اسلام به شمار می‌رفت سمبل فرهنگی مذهب مقدس تشیع نیز شد و در حمایت از

همدیگر در تاریخ ملی و مذهبی مانمونه بارز می‌باشند. تنگی وقت بیش از این اجازه

بسط این موضوع را نمی‌دهد و در خانه اگر کس است. یک حرف بس است.

۱. حبیب قآنی شیرازی، دیوان اشعار، صص ۴۵۰-۴۵۲.

۲. سید احمد هاتف اصفهانی، دیوان اشعار، صص ۳۲، ۳۳.

۳. محمد باقر مجلسی، زاد المعاد.

تعامل دو فرهنگ ایرانی و شیعی در روند تاریخ ایران / ۱۲۵

اما در مورد سخن دوم ماکه، یک فرهنگ ملی و مذهبی در هر دو دوره تاریخ ایران یعنی قبل از اسلام و بعد از اسلام می باشد و در دین زرتشتی و اسلام شیعی از ارکان مهم اعتقادی قرار گرفته است. موضوع سوشیانس در آیین زرتشتی و ظهور مهدی موعود (عج) در آیین شیعی است.

«سوشیانس» یا «منجی عالم بشریت» در آیین زرتشتی جای خاصی دارد، بنا به اعتقاد زرتشتیان این فرشته نجات روزی ظهور خواهد کرد و پلیدی ها را از جهان خواهد زدود. در این روز، نور بر ظلمت و اهورا مزدا بر اهریمن فائق خواهد آمد و حتی مکان هایی را نیز در این مورد در خبر آورده اند از آن جمله در منطقه دریاچه هامون در سیستان و یا دریاچه چیچست در آذربایجان. زرتشتیان منتظر چنین روزی اند.

همین طور در آیین تشیع، منتظر قائم آل محمد و مهدی موعود (عج) هستیم. همین اعتقاد را که اجداد ما در عهد گذشته داشتند و ادامه می دادند ما در دین مبین اسلام و آیین شیعی دنبال می کنیم. البته انتظار یک نوع آمادگی و خود را مهیا ساختن برای یک مبارزه حق علیه باطل منشأ اعتقادات و مبارزه علیه بی عدالتی و ناحقی ها است. باز تعامل این دو فرهنگ ملی و مذهبی، باعث جویایی و پویایی جامعه ها است.

منابع

۱. طباطبائی، علامه محمد حسین، ظهور شیعه، تهران، انتشارات مرصاد [بی تا].
۲. نبی، ابوالفضل، تقویم و تقویم نگاری در تاریخ، مشهد، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ ش.
۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علمیه، [بی تا].
۴. مجلسی، علامه محمد باقر، کتاب مستطاب ملهمه، تهران، کتاب فروشی اسلامیة [بی تا].
۵. قآنی شیرازی، حبیب، دیوان اشعار، تهران، ۱۳۳۶ ش.
۶. هاتف اصفهانی، سید احمد، دیوان اشعار، تهران، فروغی، ۱۳۴۹ ش.